

علم یکی از نعمت‌هایی است که خداوند متعال به بشر عطا فرموده است. از راه‌های دسترسی به علم، عقل است که موجب تمیز انسان از سایر حیوانات می‌شود. علم نقش اساسی در ایجاد و ارتقأ فرهنگ و تمدن دارد. مقاله حاضر با عنوان «فضیلت علم و علماء» در نظر دارد تا دربارهٔ چیستی علم، اقسام علم، فضیلت‌های علم، سوال کردن و برخی از مشکلاتی که باعث می‌شوند آثارِادان از ادامه تحصیل منصرف شوند، بحث کند. این مقاله همچنین درباره فضیلت علم، علم امانان معصوم(ع)، وجوب علم آموزی بر زنان و… مطالبی را ارائه می‌کند.

همان گونه که حیوانات فاقد عقل و شعور هستند، فاقد فرهنگ و تمدن نیز می‌باشند زیرا که علت موجهه آن دو علم است و علم از ثمرات عقل و اندیشه و تفکر است.

مسلمانان به دلیل ترغیب و تشویق و فضیلت‌هایی که برای علم، عالم و تعلیم و تعلّم در آیات قرآنی و احادیث معصومین(ع) وارد شده‌است، به علم آموزی و گسترش آن روی آوردند و از ثمرات و فواید مبارک آن، تمدن و فرهنگ غنی اسلامی است.

مسلمانان به دلیل ترغیب و تشویق و فضیلت‌هایی که برای علم، عالم و تعلیم و تعلّم در آیات قرآنی و احادیث معصومین(ع) وارد شده‌است، به علم آموزی و گسترش آن روی آوردند و از ثمرات و فواید مبارک آن، تمدن و فرهنگ غنی اسلامی است.
۱. چیستی علم

یکی از نعمت‌های خداوند متعال به انسان که موجب تمیز انسان از سایر حیوانات می‌شود، عقل است. انسان به وسیلهٔ عقل می‌تواند درباره هر چیزی به تحقیق بپردازد و مطالبی را به دست آورد و آگاهی‌های خود را نسبت به آن افزایش دهد. که به مجموع آگاهی‌های به دست آمده از هر چیزی، علم می‌گویند. علم مصادیق زیادی دارد و از جمله آنها علوم دینی است که در اسلام نسبت به یادگیری آنها تأکید زیادی شده است و آیات و احادیث زیادی در این باره موجود است.

۲. اقسام علم
پیامبر اکرم (ص) درباره تقسیم بندی علم می‌فرماید: «لَعَلَّكُمْ عَلَمانَ عَلمٍ فی القَلب فَذَکَ العَلمُ النّافِعُ وِ عَلمٌ عَلَی اللِّسانِ فَذَکَ حَیْجَةُ الله عَلَی العِبَادِ وِ العَلمُ عَلَمانَ، عَلمُ الْاَیْمانِ وِ عَلمُ الْاَدْبَیانِ.» (علم بر دو قسم است، یکی آن علم است که در دل جای دارد و آن علمی است که نفع‌دهنده است و دیگری علمی است که بر زبان است و آن حجت بر بنده است و نیز علم بر دو قسم است یکی علم ابدان که متعلق به دین و مذهب است و دیگر علم ابدان که متعلق به بدن و تن است) (مُحَمَّد بن علی کِراجَکی، معَمدن الجَواهر و ریاضة الخواطر، ص۲۵) بنابر این حدیث علم دارای دو تقسیم بندی می‌باشد که هر تقسیم بندی خود به دو مورد دیگر تقسیم می‌شود.

– تقسیم بندی اول
در تقسیم بندی اول علم به دو قسمت تقسیم می‌شود: (الف) یکی آن علم است که در دل جای دارد و آن علمی است که نفع‌دهنده است.
ب) دیگر علمی است که بر زبان است و آن حجت بر بنده است.
– تقسیم بندی دوم
در تقسیم بندی دوم نیز علم به دو قسمت تقسیم می‌شود: (الف) علم ابدان که متعلق به دین و مذهب است.
ب) علم ابدان که متعلق به بدن و تن است.
۳. فضیلت‌های علم
همانطور که گفته شد در دین اسلام نسبت به یادگیری علم توصیه‌های فراوانی است و بر بسیاری از اعمال دیگر برتری دارد. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی گهربار فضیلت علم را بر فضیلت عبادت افضل می‌داندت و می‌فرماید: «فضیلت علم نزد من از فضیلت عبادت محبوب‌تر است…» (حسن بن علی بن اسحق شعبه حرانی، تحف العقول، ص۱۷)

علم الهی که همان نور است را هر کسی نمی‌تواند بدست آورد، بلکه آن شخص باید سه خاطر صفای باطن و طهارت نفسی مسود توجه خاص خداوند متعال باشد، چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَعَلَّموُ نَورَ یَقْذِفُهُ الله فی قَلبِ مَنْ یَشاءُ» (به نور آگاهی که خدا در قلب هر کسی که بخواهد آن را قرار می‌دهد) (مصباح الشریعة، ص۱۶)

خداوند متعال درمقام درجه کسانی که عالم‌هستند می‌فرماید: «یَرْفَعُ اللهُ الذِّینَ اٰمَنُوا مِنْکُمْ وِ الذِّینَ اٰوْتُوا العَلمَ دَرَجَاتٍ وِ الله یَما یَظَلُّمُوْنَ خَییرَ» (خداوند کسی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی

فضیلت علم و علماء

■ علی قنبریان

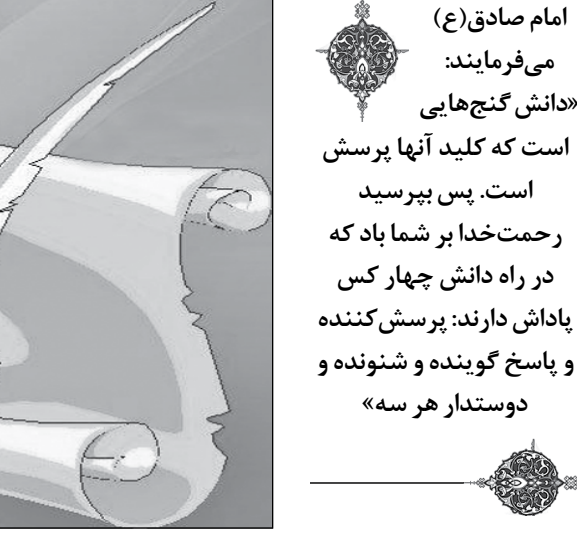
می‌بخشد؛ و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است) (مجادله - ۱۱) البته لازم به ذکر است که در قرآن تهذیب، در کنار تحصیل معارف اسلامی قرار گرفته است؛ همانند آیات:

الف. «پروردگار! از میان آنرا پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد، و پاکیزه کند زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار، قادری)» (بقره - ۱۲۹)

ب. خداوند بر مؤمنان منت نهاد انعمت بزرگی بخشید! هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند. (آل عمران - ۱۶۴)

پ. و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که ایشان را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند! (جمعه - ۲)

در آیات دوم و سوم، تزکیه بر تعلیم مقدم شده است و این به علت اهمیت تزکیه است اما در آیه اول این گونه نبوده و تعلیم مقدم شده است و دلیل آن می‌تواند این باشد که تعلیم مقدمه تزکیه است و تا انسان آموزش نبیند و نسبت



به نفس و خیر و شر آن معرفتی نداشته باشد، نمی‌تواند خودسازی نماید.

۴. سؤال کردن، کلید دانش است
از طرق بدست آوردن علم سؤال کردن است. با سؤال انسان می‌تواند آگاهی و علم دیگران را درباره مطلبی که در نظر دارد به علم خود اضافه کند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «دانش گنج‌هایی است که کلید آنها پرشش است. پس بپرسید رحمت‌خدا بر شما باد که در راه دانش چهار کس پاداش دارند: پرش‌کننده و پاسخ‌گوینده و شنونده و دوستدار هر سه» (الخصال، ج ۱، ص ۲۴۵) همان‌گونه که در این حدیث ذکر شده است در عمل پرسش و پاسخ فقط به یک نفر فایده نمی‌رسد بلکه چهار نفر از این عمل بهره مند می‌شوند:

۱) کسی که سؤال می‌کند.
۲) کسی که پاسخ می‌دهد.
۳) کسی که سؤال و جواب این‌ها را می‌شنود.
۴) کسانی که اینها را دوست دارند.
۵. دوری راه مانع تحصیل علم نیست
افراد زیادی در جامعه وجود دارند که به علت برخی از مشکلات، از ادامه تحصیل منصرف می‌شوند. از جمله این مشکلات دوری راه و عدم دسترسی به وسایل نقلیه می‌باشد. اما این مشکل با وجود اینکه یک مشکل جدی است اما نمی‌تواند مانع آن شود که افرادی که دچار این مشکل هستند از ادامه تحصیل علم منصرف شوند. زیرا اگر انسان واقعاً طالب علم باشد، می‌تواند از سذ هر مشکلی که مانع کسب علم می‌شود، گذر کند. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی گهربار می‌فرماید: «طلِّبوا العِلم و با یلصقن» (طلب کنید علم را ولو در چین باشد) (شاهد ثانی، منیه المرید، ص ۱۰۲)

در زمان‌های گذشته که تنها وسایل سفر کردن، حیوانات چهار پا بودند، اما با

فضیلت علم و علماء

توجه به تمامی این مشکلات، درجه و مقام علم در حدی است که پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «طلب کنید علم را ولو در چین باشد».

۶. با‌های ملانکه، فرش طالبان علم
ملانکه از مخلوقاتِ هستند که تنها به فرمان پروردگار عمل می‌کنند، پس بنابر این اگر خداوند متعال خشنود باشد، آنان نیز خشنوند و اگر خداوند متعال از انسان ناراضی باشد، آنان نیز ناراضی هستند.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است و فرشتگان بال خویش را برای طالب علم پهن می‌کنند، زیرا از آنچه وی در طلب آن است خشنود هستند» (بوالقاسم پاینده، نهج الصفاحه، ص۲۱۷)

در این حدیث بیان شده است که علت اینکه فرشتگان بال هایشان را برای طالب علم پهن می‌کنند این است که از آن چیزی که وی در طلب آن است یعنی همان علم خشنود هستند. پس بنابر این خداوند متعال نیز از طالبان علم راضی و خشنود است.

۷. علم بر حج و جهاد افضل است
درباره فضیلت و برتری علم مطالبی ارائه گشت، اما در حدیثی دیگر که از رسول الله (ص) روایت شده است، علم بر بسیاری از اعمال واجب دیگر برتری داده شده است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید:



«طالب علم در نزد خدا برتر است از مجاهدین و سربازان و حاجیان و عمره‌گزاران و شب زنده داران و مجاهدین خانه خدا و طلب آموزش کنند برایش درخت‌ها، بادها، ابرها، دریاها، ستاره‌ها، گیاهان و هر چیزی که آفتاب بر او می‌تابد» (ارشاد القلوب الی الصواب للدلبلی، ج ۱، ص ۱۶۴)

رسول اکرم(ص) در حدیث دیگری درباره فضیلت عالم بر عابد می‌فرماید: «فضیلت عالم بر عابد چون فضیلت ماه است بر ستارگان در شب چهارده و به راستی عالم وارث پیغمبراند زیرا پیمبران دینار و درهمی به ارث نگذاشتند ولی ارث آنها نبود و هر که از آن برگرفت بهره فراورد» (کافی، ج ۱، ص ۸۲)

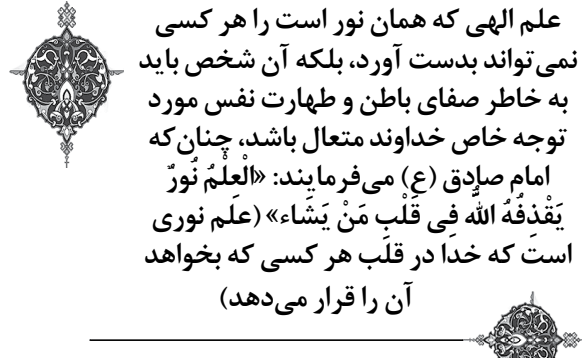
این حدیث خود یک دلیل محکم بر فضیلت علم بر عبادت می‌باشد.

۸. طلب آموزش ماهی‌های دریا برای طالب علم
قبلا این مطلب بیان شد که ملانکه برای طالبان علم طلب بخشش می‌کنند. اما

پیامبر اکرم(ص) در حدیثی دیگر می‌فرماید: «هر کس جهت علم آموزی سعی و تلاش نماید، خدا او را به ارث بهشت برد و به راستی فرشته‌های طالب علم پرهی خود را فرو نهند به نشانه رضایت از او و این محقق است که برای طالب علم هر که در آسمان و در زمین است آموزش خواهد تا برسد به ماهیان دریا» (همان)

از این حدیث به دست می‌آید که علاوه بر ملانکه هر موجود دیگری نیز برای طالبان علم استغفار می‌کنند. برای تأکید بر این مطلب، بیان شده است که حتی ماهی‌های دریا نیز این عمل را برای طالبان علم انجام می‌دهند.

۹. علم امام(ع) و علم الهی است
آنمه اظهار(ع) دارای علمی بودند که همه چیز را در بر می‌گرفت. به عبارتی دیگر علم امام(ع)، علم الهی بود و منشأ آن فقط علم خداوند متعال بود و از آنجایی که خداوند متعال عالم الغیوب است، پس بنابر این علم امام معصوم(ع) نیز همه چیز را دربر می‌گرفت.



صفوان بن یحیی از یکی از راویان خود نقل می‌کند که امام صادق(ع) فرمودند: «به خدا قسم به ما علم نگذاشتن و آیندگان داده شده. مردی از اصحاب امام عرض کرد: فدایت شوم آیا شما از غیب اطلاع دارید؟ فرمود: وای بر تو، من نطفه‌هایی که در سلب مردان و رحم زنان هست می‌دانم.» (بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۷)

۱۰. عدم مساوی بودن کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند
قرآن کریم درباره تفاوت افراد عالم با افراد جاهل می‌فرماید: «لَقُلْ یَٰ یَٰسَیُّوُ الذِّینَ یُغْلَمُوْنَ وِ الذِّینَ لَا یُغْلَمُوْنَ» (بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟) (زمر - ۹)

ایست آیه دلالت بر برابر نبودن افراد عالم با افسراد جاهل دارد و این واضح و آشکار است. اما کسانی که دارای علم می‌باشند در حقیقت پروردگار متعال به ایشان نعمت بزرگی را عطا فرموده است زیرا خدا به هر کس که بخواهد علم عطا می‌کند. در سوره بقره به این مطلب اشاره شده و می‌فرماید: (أخذاً) دانش خود را به هر کس بخواهد او شایسته بداندا می‌دهد؛ و به هر کس دانش داده شود، خبر فراوانی داده شده است، و جز خردمندان، آیین حقایق را در درک نمی‌کنند، و! مبتدرک نمی‌گردند) (بقره - ۲۶۹)

۱۱. ترس علماء از خداوند متعال
افراد عالم افرادی هستند که خداوند متعال آنها را انتخاب فرموده و به ایشان علم داده است. چنانچه قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «یُؤْتِی الِحِکْمَةَ مَنْ یَشاءُ» و مَنْ یُؤْتِ الحِکْمَةَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثِیراً» (أخذاً) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد او شایسته بداندا می‌دهد؛ و به هر کس دانش داده شود، خبر فراوانی داده شده است، و جز خردمندان، آیین حقایق را در درک نمی‌کنند، و! مبتدرک نمی‌گردند) (بقره - ۲۶۹)

بنابر مضمون این آیه مبارکه، افراد عالم، افرادی هستند که منتخب پروردگار می‌باشند. اما این مطلب بدیهی است که پروردگار بر شخصی را انتخاب نمی‌کند بلکه افرادی مورد تأکید خداوند هستند که از او خوف داشته باشند. بنابر این قرآن کریم می‌فرماید: «و از انسانها و جنبنندگان و چهارپایان انواعی با رنگهای مختلف، [آری] حقیقت چنین است: از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند؛ خداوند عزیز و غفور است» (فاطر - ۲۸)

۱۲. آموختن علم، هدف بعثت پیامبران
علم آموزی به بشر یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبران از جانب خداوند متعال بوده است. پیامبران اولوالعزم که نسبت به بقیه پیامبران دارای مقام و منزلت بالاتری بوده‌اند همگی دارای کتاب هستند. قرآن کریم درباره حکمت آموزی پیامبران به بشر می‌فرماید: «خداوند بر مؤمنان منت نهاد انعمت بزرگی بخشید! هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند» (آل عمران - ۱۶۴)

۱۳. وجوب علم آموزی بر زنان

از آنجا که علم دارای فواید دنیوی و اخروی بسیار زیادی می‌باشد، احادیث بسیار زیادی که در حد ثوات معتوی می‌باشند، ترغیب و تشویق به علم آموزی کرده است. تعلیم و تعلم مختص به مردان نیست بلکه در نصوص دینی، زنان را نیز شامل می‌شود و رسول اکرم(ص) نیز در این زمینه می‌فرماید: «طَلِّبِ العِلمَ فِرِضَةُ عَلَی کُلِّ مُسْلِمٍ وِ مُسْلِمَةٍ.» (طلب علم فریضه و واجب است بر هر مرد مسلمان و هر زن مسلمان) (مُحَمَّد بن ابی حاتم، کِراجَکی، کِتَابُ الفِوائِد، ج ۲، ص ۱۰۸)

۱۴. آموختن علم، هدف بعثت پیامبران
علم آموزی به بشر یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبران از جانب خداوند متعال بوده است. پیامبران اولوالعزم که نسبت به بقیه پیامبران دارای مقام و منزلت بالاتری بوده‌اند همگی دارای کتاب هستند. قرآن کریم درباره حکمت آموزی پیامبران به بشر می‌فرماید: «خداوند بر مؤمنان منت نهاد انعمت بزرگی بخشید! هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند» (آل عمران - ۱۶۴)

۱۵. آموختن علم، هدف بعثت پیامبران
علم آموزی به بشر یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبران از جانب خداوند متعال بوده است. پیامبران اولوالعزم که نسبت به بقیه پیامبران دارای مقام و منزلت بالاتری بوده‌اند همگی دارای کتاب هستند. قرآن کریم درباره حکمت آموزی پیامبران به بشر می‌فرماید: «خداوند بر مؤمنان منت نهاد انعمت بزرگی بخشید! هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند» (آل عمران - ۱۶۴)

توجه نمی‌کنند و آن عبارت است از اینکه در عقد موقت یا دائم با دختر بزرگ، احتیاج به رضایت پدر یا ولی دختر می‌باشد که اگر نباشد، از نظر شرعی عقد باطل است و ازدواجی صورت نمی‌گیرد.

۲- حقوقی: بطور کلی در ازدواج موقت یا دائم، حقوق اخلاقی، اجتماعی، جسمی، روانی و مادی ویژه‌ای به گردن اشخاص می‌آید که معمولاً افراد به آن توجه نمی‌کنند و فارغ از این حقوق فقط به دنبال ارضای نیاز جنسی خود هستند، در صورتی که بعضی از این عوارض تا مدت‌ها و چه بسا برای همیشه باقی خواهد ماند.

۳- روانشناسی: شخصی که به دنبال تأمین غریزه جنسی خود بوده و در عین حال به دنبال ارضای آن از طریق ازدواج موقت باشد، مانند شخص تشنه‌ای می‌ماند که چند روز در یک بیابان بی آب و علف بوده و در همین حال یک پبدا شود و به او یک لیوان آب شور بدهد؛ در نتیجه نه تنها عطش او از بین نمی‌رود بلکه بیشتر هم می‌شود.

پس این شخص نه تنها مشکل خود را حل نکرده بلکه آتش درون خود را شعله‌ورتر هم می‌کند و در واقع از چاله بیرون آمده و به چاه می‌افتد. لذا اگر کسی وارد این وادی شد، باید بداند میل به این کار در او بیشتر شده و باید دائم به دنبال پاسخ گویی به این نیاز خود باشد که البته با یک حساب معمولی و دقت سطحی نمی‌بینیم که این صورت، تعادل زندگی چنین شخصی به هم ریخته و چه بسا مسیر زندگی او نیز عوض شده و آسیب‌های روحی- روانی جدی هم به او وارد می‌شود که مهمترین آسیب چنین روابطی این است که شخص آمادگی و توانایی ازدواج دائم و تشکیل زندگی مشترک با دیگران را از دست می‌دهد و حتی در صورت تشکیل ازدواج با پس و ظایف آن (اعم از معنوی و عاطفی) برنخواهد آمد. البته باید متذکر ششوم که وقتی از آسیب‌های صحبت می‌کنیم، این جنبه در مورد دختران، حساس‌تر، جدی‌تر و عمیق‌تر خواهد بود.

شاید این سوال پیش بیاید که پس ازدواج موقت برای چه موقه و چه شرایطی است؟ در این روایت که پیامبر متعال برای احکام هر مسئله غریزه جنسی پس برستی پیش نیاید، به عنوان مثال برای کسانی که از ازدواج دائم و تشکیل خانواده ناامید هستند و یا به به دلیلی امکان انجام آن را ندارند و همچنین موارد خاصی که شرایط ایجاد می‌کند، ازدواج موقت را قرار داد تا این افراد در ضمن اینکه قادر به ارضای نیازهای خود باشند، به گناه نافتانند.

در هر صورت توصیه کلی به افرادی که هنوز ازدواج نکرده‌اند، این است که با رعایت نکات اخلاقی ذکر شده، به دنبال پیشگیری بوده و غفت پیشه کنند تا در صورت لازم و در جای خود بتوانند با عتسقی پاک و احساساتی پخته یک زندگی سالم را چارچوبی محکم را تشکیل دهند که به هر برای خود فرد، دسر سازنده باشد.

بهترین راه حل برای این مشکل جوانان همان ازدواج است. البته با رویکردی متفاوت! به این صورت که چون جوانان نورس هنوز دارای بلوغ اجتماعی، عاطفی و مالی نشده‌اند، تا بتوانند زندگی مستقلی را تشکیل داده و مدیریت کنند، بنابر این در همین وضعیت فعلی که تحت پوشش و حمایت‌های داه و معنوی پدر و مادر به سر می‌برند) والدین شخص مناسبی را پیدا کرده و این دو را به عقد هم در بیاورند و تا زمانی که صلاحیت تشکیل زندگی مستقل را به دست بیاورند، با هم محرم باشند که این کار باعث آرامش روحی - روانی دو جوان شده و آنها را از بسیاری آفات و مضللات دور نگه می‌دارد.

است هم برای جامعه.

۵- ازدواج دائم: بهترین راه حل

در حال حاضر بسیاری از کارشناسان تربیتی و عالمان روش‌بین دینی که عمر خود را از امور تربیتی صرف کرده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه حل برای این مشکل جوانان همان ازدواج است. البته با رویکردی متفاوت! به این صورت که چون جوانان نورس هنوز دارای بلوغ اجتماعی، عاطفی و مالی نشده‌اند، تا بتوانند زندگی مستقلی را تشکیل داده و مدیریت کنند، بنابر این در همین وضعیت فعلی که تحت پوشش و حمایت‌های داه و معنوی پدر و مادر به سر می‌برند) والدین شخص مناسبی را پیدا کرده و این دو را به عقد هم در بیاورند و تا زمانی که صلاحیت تشکیل زندگی مستقل را به دست بیاورند، با هم محرم باشند که این کار باعث آرامش روحی - روانی دو جوان شده و آنها را از بسیاری آفات و مضللات دور نگه می‌دارد.

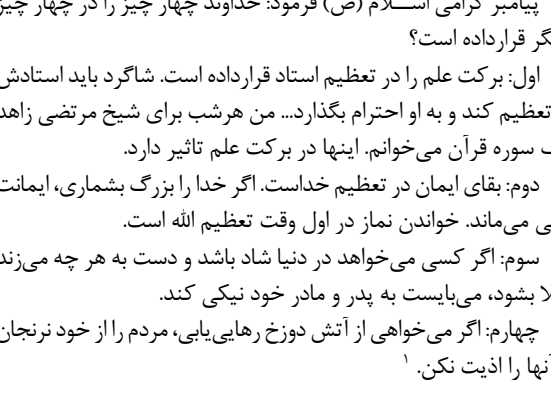
البته باید اذعان کرد اجرای چنین نظریه‌ای احتیاج به آموزش وسیع ضوابط آن به جوانان و حتی والدین آنها دارد که به عنوان مثال در انتخاب همسر، چگونگی گذراندن دوران عقد و دوری از عوارض این دوره و... تا جای ممکن دچار خطا نشوند.

چراغ راه



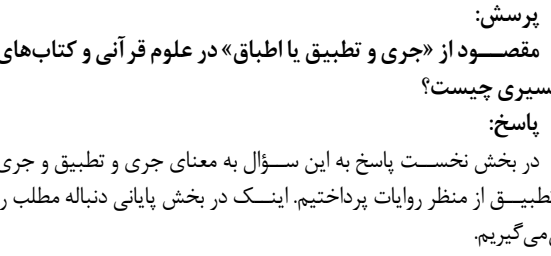
چهار عامل گرفتاری انسان
قال الامام علی(ع): من استطاع ان یمنع نفسه من اربعة اشیا، فیهو خلیق بان لا یزول به مکره وهد قبل و ما هن؟ قال: العجلة و اللجاج و العجب و التواشی.

امام علی (ع) فرمود: هر کس نتواند خود را از چهار چیز نکه دارد، هرگز دچار نراحتی و (حادثه ناگوار) نشود، عرض کردند: آنها چیست؟ فرمود: عجله و شتاب، لجاجت و ستیزه‌جویی، عجب و خودپسندی، و تنبلی و سستی.^(۱)



پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود، خداوند چهار چیز را در چهار چیز دیگر قراردادده است؟
اول: برکت علم را در تعظیم استاد قراردادده است. شاگرد باید استادش را تعظیم کند و به او احترام بگذارد... من هربش برای شیخ مرتضی زاهد یک سوره قرآن می‌خوانم. اینها در برکت علم تاثیر دارد. دوم: بقای ایمان در تعظیم خداست. حق خدا را بزرگ بشمار، ایعانت باقی می‌ماند. خواندن نماز در اول وقت تعظیم الله است. سوم: اگر کسی می‌خواهد در دنیا شاد باشد و دست به هر چه می‌زند طلا بشود، می‌بایست به پدر و مادر خود نیکی کند. چهارم: اگر می‌خواهی از آتش دوزخ رهایی‌یابی، مردم را از خود نرنجان و آنها را اذیت نکن.^۱

۱- آیت‌الله مجتهدی تهرانی، پایگاه اطلاع‌رسانی صالحین، مورخ ۹۴/۳/۱۶



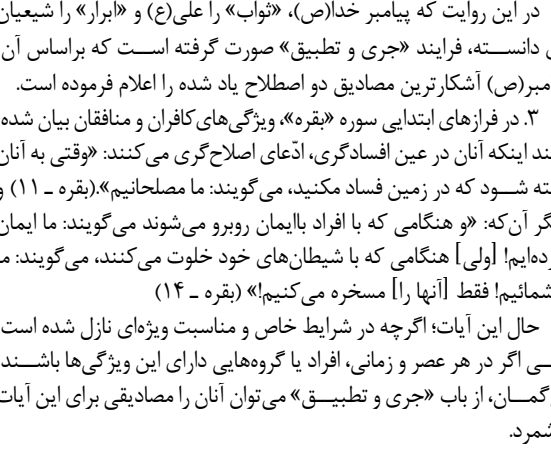
مفهوم جری و اطباق
پرشش: مقصود از «جری و تطبیق یا اطباق» در علوم قرآنی و کتاب‌های تفسیری چیست؟ پاسخ: در بخش نخست پاسخ به این سؤال به معنای جری و تطبیق و جری و تطبیق از منظر روایات پرداختیم. اینسک در بخش پایانی دنباله مطلب را بی‌می‌گیریم.

نمونه‌هایی از روایات جری و تطبیق
روایات بسیاری در سرفصل‌های گوناگون وجود دارد که معصومان(ع)، روش جری را به کار گرفته و مفاد آیه یا بخشی از یک آیه را بر مصادق یا یکی از آشکارترین و برترین مصادیق آن تطبیق نموده‌اند. این امر نشان از آن دارد که روش جری و تطبیق، مورد عنایت ویژه اهل بیت(ع) بوده است. شاید وجه آن کارآمدی جری باشد که بپویایی و جودانگی قرآن را بیشتر نمایان می‌سازد. در این بخش، شماری از دست روایات را برگزیده و به جری موجود در آنها اشاره می‌کنیم:

۱. درباره «تینیات» و «هدی» در آیه شریفه: «إِنَّ الذِّینَ یُکْثَمُونَ مَا أَلْزَمْنَا مِنْ التَّینِیَّاتِ وِ الْهَدَی» (بقره - ۱۵۹)
در روایتی مصادق این مفاهیم امام علی(ع) (تفسیر العباسی- ج ۱، ص ۷۱) و در روایتی دیگر، تمام خاندان عصمت(ع) اعلام شدند. (همان - ص ۷۲) البته آنچه ظاهر آیه و نیز تفسیر مفسران بر آن دلالت دارد، آن است که این درباره آن دسته از پیود و نصاری نازل شده که با آنکه با توجه به علانم اشاره‌شده در تورات و انجیل پیامبری رسول خدا(ص) (برایشان ثابت بود، نبوت حضرتئسان و نیز اخبار مربوطه را پنهان نموده و از باز کردن آن خودداری می‌کردند! طوسی، محمد بن حسن، التینان فی تفسیر القرآن)
بر این اساس، روایاتی که این آیه را بر معصومان منطبق کرده، جز از باب جری و تطبیق نمی‌تواند باشد؛ (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۹۲) زیرا از آنجا که امام علی(ع) و «و مسأ عَندَ الله خَیْراً لِّلْاَمرِ» (آل عمران - ۱۹۸) از امام (علی) نقل شده است: «پیامبر(ص) دستم را در دست خویش نهاد و به من گفت: «أخِی ... انت التَّوَاب وِ حِشْبَتُکَ الْاَبْرَارُ» (حسکائی، عبید الله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، ج ۱، ص ۱۷۸)

وی دانسته، فرایند «جری و تطبیق» صورت گرفته است که براساس آن، پیامبر(ص) آشکارترین مصادیق دو اصطلاح یاد شده را اعلام فرموده است. ۲. در فرازهای ابتدایی سوره «بقره»، ویژگی‌های کارفران و منافقان بیان شده، اما از آنجا که این پیامبر خدا(ص)، «تَوَاب» را راعی(ع) می‌کنند: «وَقَفِی به آنان گفته شود که در زمین فساد میکنند، می‌گویند: ما مصلحانیم.» (بقره - ۱۱) و دیگر آن که، «و هنگامی که با افراد باایمان خلوت می‌شوند می‌گویند: ما ایمان آورده‌ایم! اولی آنها که با شیطان‌های خود می‌کنند، می‌گویند: ما با شیطانیم! فقها از عین ابیامبر خدا(ص)، افعال اصلاح‌گری می‌کنند.» (بقره - ۱۴)

حال این آیات، اگرچه در شرایط خاص و مناسبت ویژه‌ای نازل شده است، ولی اگر در هر عصر و زمانی، افراد یا گروه‌هایی دارای این ویژگی‌ها باشند، بی‌گمان، از باب «جری و تطبیق» می‌توان آنان را مصادیقی برای این آیات برشمرد.



هدف سالک الهی)، رساندن بار به مقصد است
(بدان ای سالک راه خدا)، حضرت آیت‌الله مجتهدی می‌فرماید: یک روز مرحوم شیخ جعفر شوشتری با رفقا نشستند و بودند که الاغی آمد و بارش را خالی کرد. پس جلوی شیخ آمد و به او نگاه کرد، و گوش‌هایش را تکان داد. شیخ ابتدا گریه شدیدی کردند، سپس فرمودند: گویا این الاغ با زبان حال به من گفت: من بارم را به مقصد رساندم. او تا به بارت را به مقصد رسانده‌ای!^(۱)



۱- محمد حسین محمودی گلبایگانی در محضر مجتهدی، ج ۱، ص ۶۸

صفحه معارف روز های: یک‌شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

تلفن‌های مستقیم: ۳۳۴۹۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱